



نوشته متوجه چهر شیبانی



۱ = ریتم در طبیعت

باهر آن، پدیده‌ئی بسومی می‌گراید. بسوی افزایش یا کاهش، پرورش یا تکیدن. هر افزایش و کاهش نیروئی پدید می‌آورد که دیگر پدیده‌ها را به دگر گوئی بر میانگیزد و هنگامیکه پهنه گسترده گیتی از برابر ما میگذرد این جنبش را بروشنی در مییابیم. شیوه افراختگی درختها در انبوهی يك جنگل، برش برش صخره‌ها در يك تنگه کوهستانی، پیچیدگی‌ها، کشش‌ها، خمیدگی‌ها افراختن‌ها، و هزاران چرخش انبوهی‌های گندم در آغوش هم که از وزش متغیر نسیم پدید می‌آید ..

به همان شیوه که گرایش هر شکلی، برای مردم عادی قابل درک است. (قرار گرفتن يك گلدان در روی میز، آویختگی پرده‌ها، افراختگی ستون‌ها، خمیدگی شاخه‌ها، خفتگی فرشها که هر کدام از سومی به پایه‌ای بستگی دارد) هنگامیکه این بستگی‌های طبیعی بواسطه عواملی دیگر دگر گونه شود، چشمها و ذهن‌ها را به شکفتی و آشفتنی بر میانگیزد:

(در صحنه فیلمهای فانتاستیک یا زمین لرزه‌ها یا بازیگری نور...)

ولی باریک بینی کارشناس ذرات که از پس پنجره عدسی میکروسکپ‌ها در پی گرایش‌های انبوهی ذرات است، حتی میتواند اشکال نوسانات گرایش هر انبوهی را



ریم درختهای خشک يك جنگل

برمدارج نمودارها ترسیم کند. روش‌های علوم انسانی و مطابقت فریبگی
خط سیر چنگالی شکلها رشد میکرب سرطان در نسوج، روش پرورش افقی و
عمودی يك پیچك بردیوار، رشد افراختگی يك درخت تبریزی و هزاران شکل دیگر
سیر تکاملی محسوس بانام محسوس پدیده‌ها، از نظر تیزبین کارشناسان آن پیچیده نیست
و با افزارهای نوی که ساخته شده و میشود میتوان از اشکال مختلف ساده و پیچیده
آن، نگاره برداشت یا فیلمبرداری کرد.

از سوی دیگر زمین‌شناسان که بررسی‌های خود را دربارهٔ پیش رفتگی‌های
قطعات زمین برسینه آنها، با شکفتگی کوه‌های سنگی از قلب تپه‌ها و زمین‌های شنی
وسعت داده‌اند باین نتیجه رسیده‌اند که همانطور که رشد يك سلول زنده سریع انجام
میکیرد و شکل رشد آن قابل ترسیم است. نحوه شکفتگی یا واریختگی يك کوه نیز
در طی زمانی طویل تر قابل درک است.

رگه‌های ذغال سنگ که در طی قرون متبادی با دگرگونیهای مواد مختلف
برزرفاهای زمین‌گرایشی شاخه مانند (عمودی-افقی) دارد



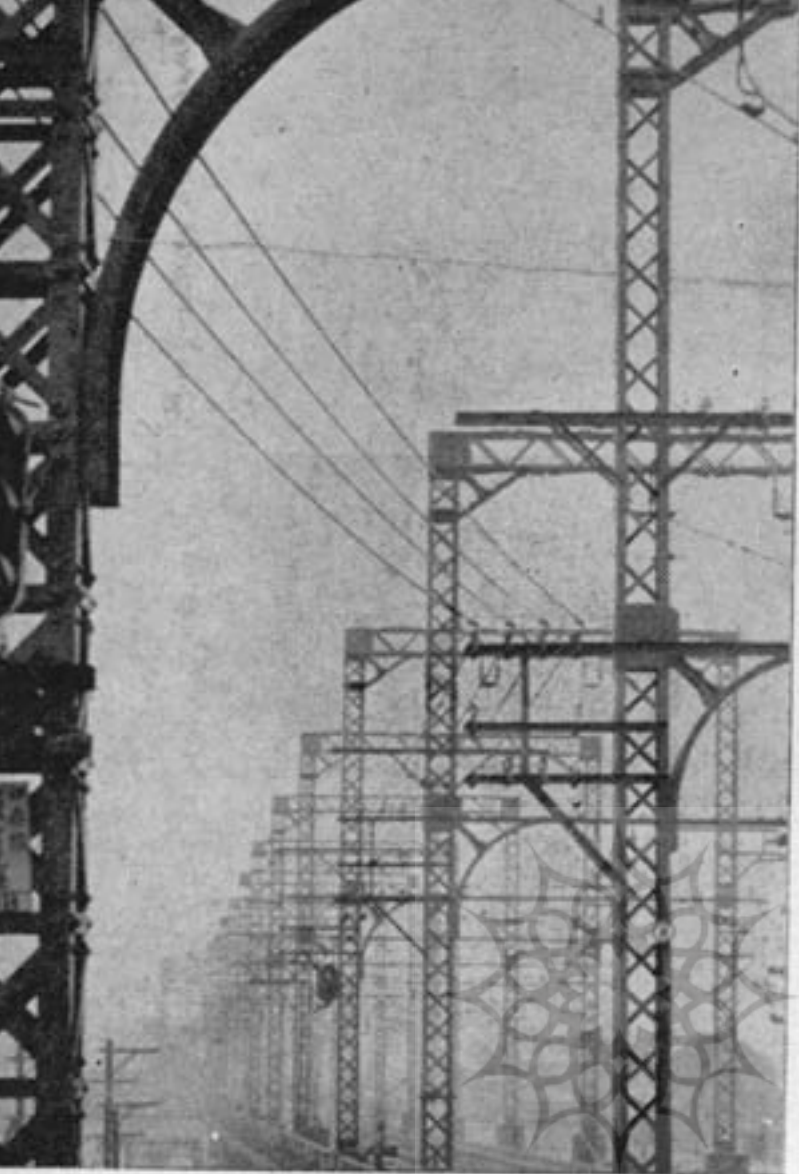
ریتم ستیغ يك كوه سنگی

با شکل ترك خوردن های يك زمین پائلاقی و برش تنگه های يك منطقه کوهستانی که در گذشته در اعماق دریاها مدفون بوده، ریتم واحدی را تکرار کرده اند با این تفاوت که از حیث زمان و مکان و ارتفاع درجهت های مختلف سیر داده شده اند.

و هنگامیکه دیده از زمین بر گیریم و بر آسمانها دوزیم ستارگان پر درخشش و کم درخش، متراکم و پراکنده با حالت های گوناگون بدور هم میچرخند، از سینه نبودها چون سوزنی نك میزنند و با گردش سریع بدور خود مانند متة پولادینی هر لحظه درشت تر شده و براده های نور را بگرد خویش میپراکنند.

و جای دیگر هزاران هزار اختر که انبوهی اسفنج مانند شان از کران تا کران آسمان را فرا گرفته چون عقربه قطب نما گردشی دورانی دارند.

این ریتم های جنبشی طبیعی نامحسوس که با چشم غیر مسلح قابل دید نیستند در برابر ریتم موجوداتی مانند جانداران، بشکل دیگری جلوه گری می آغازند.



ریتم «ژئومتریك» دكل های
راه آهن برقی

ریتم حرکت گروه‌های مورچه، ریتم زنبورها که با نظم دیگر کون بزندی می‌پردازند، پرواز دسته‌جمعی چلچله‌ها، گریز گروهی کله‌های آهو و ریتم سنگین حرکت کله‌فیلها.

البته پس از آن ما میتوانیم حرکت انسانها را مورد بررسی قرار دهیم. ریتم این موجودات در حالات مختلف تغییر شکل میدهد. هنگامیکه مورچه‌ها بدنبال هم برای بردن آذوقه به لانه خود میروند و یا هنگامیکه گروهی از آنها در مقابل قطره‌ای آب یا عامل دیگر آشفته شده حرکات دورانی یا چنگالی شکل بخود میگیرند. گروه آهوهائی که برای آب خوردن بسوی برکه می‌میروند یا دور برکه گرد می‌آیند یا اینکه در مقابل عده‌ای شکارچی با سرعتی عجیب میگریزند.

در مقابل ریتم پرواز سریع و رقاص چلچله‌ها که گروه‌گروه دواير عمودی واقعی در فضا ایجاد میکنند، ریتم سنگین حرکت فیلها در جنگلها بسیار محسوس است.

ولی انسانها در شهرهای مختلف در میان قبایل مختلف (دونا دونی که در سراسر کره زمین پراکنده اند) از شهرهای با عظمت متمدن تا طوایفی که در قلب دور افتاده ترین جنگلها یا کوهستانها زندگی میکنند حرکات دسته جمعی قابل مطالعه می دارند. اجتماع هر شهری با ریتم مخصوصی در خیابانها و معابر عمومی حرکت میکنند.



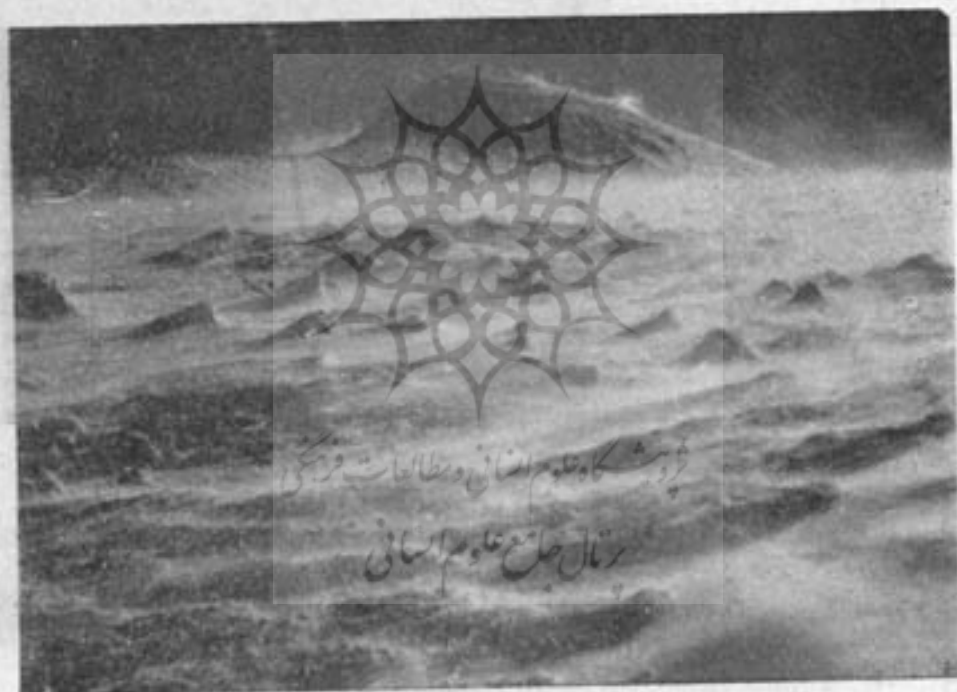
ریتم حرکت کارگران مهاجر
شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اگر بکنفر شرقی به نیویورک یا واشنگتن و یا حتی لندن قدم گذارد. این سرعت را بخوبی احساس میکند. مردم مانند گلوله های سفید و قرمز در دکهای خیابانها پیوسته در آمد و شد هستند. عقبه ثانیه شمار با عقبه کیلومتر شمار گومی مسابقه میدهند. و چرخهای عظیم کارخانه ها با جنبش های مختلف و حرکات های گوناگون زمانها را در خود می بلعد. چراغهای نشون مفازه ها با «ریتم» قدمهایی که با سرعت بهم نزدیک و از هم دور در نقطه ای متراکم و درجائی بهم فشرده میشوند خاموش و روشن و رنگ بر رنگ میشود. حرکت گروه های مردم در چنین خیابانهائی را میتوان بخوبی از ریتم صف طولیل مورچه ها تمیز داد و در حقیقت گفت یک ریتم (ضد ضرب) دارد. و آن نگاه که ما درباره ریتم حرکات دسته جمعی یکی از قبایل اقیانوسیه مطالعه میکنیم تشابه عجیبی در رقصهای اکسپرسیف آنها و حرکات شتابزده گروه های ساکن شهرهای بزرگ خواهیم یافت.

برعکس در میان قبایل ساکن صحراهای سوزان خاورمیانه با استپ‌های جنوب
سیبری میتوان به آرام‌ترین و یکنواخت‌ترین ریتم حرکتی پی برد ...

قطار شترها در بیابان‌های بی‌انتهای و حتی صف طولیل زامران که بسوی مکانهای
مقدس در حرکت کنند. ریتم مردم شرق در شهرها هم آرام و یکنواخت و بایک ریتم ابتدایی
قابل هضم است. چنانکه با ریتم حرکت چارباغان و زنک‌هاشان میتوان آنها را هم آهنگ
ساخت.

زمان در شرق به‌کندی میگذرد. فاصله زیاد بین شهرها و دهات، کارها و
نخلستانها، آکاروانسراها مردم را از هم جدا کرده است. بیابانهای بی‌آب و علف و
صحراهای سوزان، یکنواختی و تفکر ایجاد میکند و از تحریک می‌کاهد. همه در انتظارهای
طولانی شبها را بروز و روزها را به شب میرسانند و حتی تضاد روز و شب هم



ریتم تپه‌های شنی در هنگام طوفان و در یک صحرا

نیتواند برای آنها برآمدن وقتی و آغاز یافتن وقت دیگری را محسوس کند. مردم
در بازارهای مکاره که در دهات تشکیل میشود ساعتها بلکه روزها با انتظار، دوزانو
می‌نشینند تا کاروانی از راه برسد. اگر دو روز حرکت قافله می تأخیر داشت کسی
ناراحت نمیشود. چشمها براق دوخته شده است. تاسفر کرده از راه برسد. زنهای
قبایل عرب یا بلوچ میتوانند ساعتها در پشت دستگاہ کالاهای خود بایک حرکت بنشینند
و انتظار بکشند.



ریتم منحنی شکل يك زمین
باتلاقی

همچنین حرکت در دهات، حرکت در شهرها، حرکت در شهرهای بزرگ صنعتی که ریتم‌های مختلفی دارد.

از طرف دیگر همیشه نمیتوان در شهرهای بزرگ دسته جمعی مردم را مشابه فرض کرد. سکنه محله‌های مختلف باهم تفاوت دارند، در محله‌های کارگرنشین ریتم حرکت گروه‌ها سریعتر از مردم محله‌های بیلاقی نشین است.

باید دانست که حالت ریتم حرکت دسته جمعی مردم در مقابل حوادث مختلف باریتم همیشگی آن اجتماعات فرق خواهد داشت.

در مقابل بیماری‌ها حرکت گروه‌های مختلف بسوی پناهگاه‌های زیرزمینی بسیار سریع و درهم است، ولی نظمی خاص دارد.

اگر این بیماری‌ها در میان بدوی ترین قبایل شرق هم انجام بگیرد بیکباره ریتم زندگی همیشگی آنها بهم ریخته شده و یک ریتم (ضد ضرب) سریع و عصبی جانشین آن خواهد شد.

هنگام هزاهای عمومی و تشییع جنازه‌ها، ریتم مردم تشییع کننده اگر در خیابان



ریتم زمین‌های ترک خورده
باتلاقی

های نیویورک هم باشد آرام و آهسته خواهد شد. *بظلمات فریبی*
درجشنها حرکات ریتمیک دایره‌می شکل. درحمله‌ها و پورش‌ها حرکت یک
جهتی پیش‌رونده و در تعطیل کار کارخانه‌ها و مراکز صنعتی حرکت شعاعی شکل گروه‌های
مردم قابل احساس است و نیز حرکت جهشی مردم در انقلاب‌ها.
البته ترسیم هندسی حرکات دستجات گوناگون مردم در حالات و نقاط مختلف
و درک آن بسیار جالب و قابل اهمیت است.
حرکت انفجاری گریز از مرکز دستجات انقلابی با حرکت کلبه‌های گل کوچک
و حرکت تشعشعات ذوزنبی شکل ستارگان ریتم واحدی را بذهن می‌آورد.
قرار گرفتن قطعات صخره‌ها در دامنه‌های شنی یک کوه و چوبانهای که نند
بسرکشیده در میان گله‌ها افتاده‌اند و تک درختهایی که در دل بیابانهای بی‌انتها
سرگردانند مشابهت ریتمیک دارند.
باید از طرف دیگر امتداد ریتم را از لحاظ تاریخی در ادوار مختلف نیز مورد

هر قومی از دورانهای گذشته تا کنون بسته بر شد عوامل اقتصادی و سپس سیاسی ریتم زندگی در تغییر بوده است .

از هنگامیکه وسائل ابتدائی دردسترس داشته و در سینه غارها زندگی میکردند. ریتم حرکت دسته جمعی بشر ما قبل تاریخ برای شکار ماموتها، ریتم غلظاندن سنگهای بزرگ برای شکار حیوانات عظیم الجثه، ریتم حرکات دسته جمعی مردم در عبادتگاهها و مخصوصاً و قصهای مذهبی که در برابر خدائی که آفریننده یکی از عوامل طبیعت است حالتهای آن عامل را مجسم میکرد. رقصی که برای خورشید میکردند با رقصی که برای خدای مرگ انجام میدادند در دو حالت متفاوت که یکی چرخشهای سریع و دیگری کشش و نرمی را نشان میداد، اجرا میگشت. گروه بردگان مصری که ابوالهولها و ستونهای عظیم را با اهرمها و غلظکهای چوبی بیالای ساختنهای رفیع پرستشگاههای کشانند و گاه گاه برای تمرکز نیروی دستهها ریتمها را با طبل و دهل و گاهی با ضربه های تازیانه کارگزاران مشخص میکردند ..

لژبونهای رومی با ریتم هندسی مشخص که قبلاً با دقت حرکات آنها مانند یک کریموگرافی با له تنظیم و ترسیم شده بود به پیشروی یا عقب نشینی در جنگها میبرد اخیند. هجوم قبایل مصرانشین مانند تورانیها، تاتارها، مغولها و بربرها برق آسا و همه جانبه و در مقابل آن ریتم گروههای این جنگجویان هنگام شیبخون، آرام، زبکراکی شکل و پراکنده بود

در بزما و محافل اشرافی یونانی و رومی و سپس در فرانسه و ایتالای دوره رنسانس و دوره رمانیک امپراطوری روم، حرکات نرم باتأنی بود و به رقصهای مینوئه شباهت داشت . گروهها با وجودیکه از هم پراکنده بودند یک ارتباط دکوراتیف داشتند .

ریتم یک کار دسته جمعی



در دوران اسکولاستیک قرون وسطی در ساختمانها و کلیساها و شهرهایی که بسبک گوتیک بنا کرده بودند مردم بالباسهای بلند و کشیده خود مانند ستون یا جزئی از بنا از گوشه و کنار ساختمانها میگذشتند. در جشنهای مذهبی مخصوصاً در عید پاک La Festa di Pascua و مراسم گروه میسیون و بهلیب کشیدن مسیح در اسپانی با نقابهای وهشتناک در پشت صلیب بزرگ شعله ور، گروهها در سکوت اضطراب آوری راه میسپردند. ریتیم اجتماعات بزرگ مخفی در زیرزمینها، حلات شبانه، ریتیم مردم در اعیاد ماسکاراد در اسپانی و ایتالیا، ریتیم گروه هیزم شکنهای جنگلهای سیبری در قرن ۱۹، ریتیم قایقرانان و باربران روسی دوران تزار ...

ریتیم آرام و پرتکبر اجتماعات اشرافی انگلیس در دوران استعماری، ریتیم کاردر مزارع وسیع دولتی، ریتیم گروههای کوچک و بزرگ در یک کودکستان یا در یک دانشگاه در مقابل ریتیم درهم لولیدن خاموش گروههای مختلف در یک پناهگاه زیرزمینی و طرز خوابیدن و قرار گرفتن آنها.

مطالعه ریتیم در اجتماعات بشری در طی تاریخ و در کشورهای مختلف کاری است که کارگردانهای بزرگ تا متروسینما و طراحان باله اساس کارفن خود قرار داده اند. و بحث در این مورد به مقاله آینده که درباره ریتیم در هنرهای تصویری است موکول خواهد شد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی